



11 میر عبدالواحد سادات

معیار عقلانیت ما :

عقلانیت را از یونان و تا کنون بکار گیری خرد و عقل برای شناخت تعریف نموده اند و یا معقول بودن بر مبنای عقل و منطق را مبین عقلانیت میدانند .

ماکس وبر چهار نوع عقلانیت را مشخص ساخته است :

— عقلانیت هدفمند

— عقلانیت ارزش گرا

— عقلانیت تاثیر گذار

— عقلانیت سنتی و مرسوم

با آنچه به نهایت ایجاز تذکار رفت ما میتوانیم عقلانیت خود را سنجش نماییم :

البته با نظر داشت موارد اتی :

— موضوع بحث : صلح

— تمرکز بحث : بر اشخاص و کی ها

— عدم تمرکز بحث : بر اصول کلیدی :

- چه باید گفت ؟

- چه میتوان گفت ؟

- چرا باید گفت ؟

در حالیکه صلح هست و بود جامعه ما را رقم میزند و بمثابة مبرمترین خواست مردم ، نیاز وطن و شرط گذار افغانستان به شاهراه صلح ، ترقی و ثبات میباشد ، بحث ها و نشست ها در چند ماه اخیر گویای این حقیقت تلخ است که :

— ما به فقدان حاکمیت عقل گرفتار هستیم !!!

— و با جامعه ساکن مواجه هستیم که در دو دهه اخیر هیچ تغییر نکرده است !!!

زیرا کماکان همان اقلیت منفور :

تاجران دین ، تیکه داران " جهاد " ، دکانداران قوم و جلابان سیاسی در نقش " قیم " ما بحیث ملت " صغیر " که در مرحله صغارت ، صلاحیت و جسارت ابراز نظر خود را ندارد ، صلح را که پروسه ملی است در سطح يك پروژه و بخاطر حذف رقیب سیاسی شان ، گروگان گرفته اند و دعوا دارند که ما باید به مسکو و قطر برویم و بحث کی و شخص را تا رقم دوصدو پنجاه تن بالا بردند و چنان دوش ، دوش که گویا بقول سخنگوی طالبان کدام عروسی است !!!

این " لشکر کشتی ها " به مسکو و قطر فقط و فقط يك معنی دارد :

قباحت زدایی از طالبان و مشروعیت زدایی از دولت

قبل از آنکه ببرکت کمبود عقلانیت سیاسی و فقدان عقل راه را برای استقرا امارت اسلامی هموار نماییم و پاکستان را حاکم بر

مقررات خود بسازیم به عقل اقتدا و در پرتو ان به سوال اساسی و چه میتوان گفت ها ؟ پاسخ دقیق ارائه نمایم .

بسیار ضرور است تا با درس از گذشته عبرتتاک و قبل از آنکه کشتی شکسته وطن را غرق نماییم ، هنگام تنظیم جواب، این کلام

حضرت فردوسی ملاک فکر و عمل خود قرار بدهیم که :

به یزدان اگر ما خرد داشتیم

کجا این سرانجام بد داشتیم

پاسخ دقیق باید مطابق به ندای نعش اغشته بخون مادر وطن و بخاطر صلح دایمی و پایدار باید ارزش محور باشد ، که سر انجام

فقط در مذاکرات مستقیم دو طرف اصلی متحارب ( دولت و طالبان ) و توسط تیم های مذاکراتی مجرب و متخصص ممکن و

متحقق خواهد گردید در غیر ان اگر دو لك و پنجاه هزار را به مسکو و قطر و ... بفرستیم ، درد بی درمان و زخم ناسور ما مداوا

نخواهد یافت .

طرح این موضوع به این دلیل مبرمیت کسب مینماید که در بحث پیرامون صلح متوجه میشویم که تا کنون سیاسیون به اصطلاح

مطرح و جلابان سیاسی که میخواهند صلح را در سطح يك پروژه تنزیل و " تیکه " نمایند به مبادی اصول دستیابی به صلح ،

انواع صلح و مراحل تحقق ان اشنایی ندارند و بی خبر ازین واقعیت که ما هنوز در مرحله بستر سازی صلح قرار داریم و تاکنون

با مذاکرات صلح فاصله داریم ، نشست ها درینجا و انجا را مذاکرات صلح قلمداد مینمایند .

جالبتر اینکه این اقایان بحساب هستری ضدیت با رقیب سیاسی ، با نا عاقبت اندیشی نقش دولت را انکار و میخواهند تنظیم و گروه

شانرا جاگزین موسسه و نهاد دولت نمایند .

اظهر من الشمس است که صلح افغانستان همانند جنگ ان بدست بیگانگان رقم میخورد و دارایی ابعاد پیچیده داخلی ، منطوقی و بین المللی میباشد که در دور جدید " بازیهای بزرگ " و در کشمکش رقبای جیوپولوتیک بین المللی و متحدان منطوقی شان با تعیین مقدرات تاریخی افغانستان بمثابة یکی از کانون های عمده جیوپولوتیک ، شکل میگیرد .  
عقلانیت سیاسی و دید خردورزانه ما خواهیم توانست ، تعریف واقعبینانه از مصالح کشور و منافع ملی افغانستان داشته باشیم و در منجلا ب پر آشوب کنونی حلقه اساسی مصلحت کشور را تشخیص و بدان جنگ بز نیم و بخاطر صلح گذار بشاهراه صلح و ترقی تلاش نماییم .

با حرمت

میر عبدالواحد سادات